

گل‌دان

۶۵



زیر نظر: سیدعباس تربن

دوست خوبم، ملیکاشکیبانیانیا از تهران

«درخت مصبت» نامی شعاری، اما ایره‌ای شاعرانه داشت. فیلی خوب توانسته بودی ناتوانی درخت‌ها، پرستوها و گل‌ها را در جواب گفتن به سؤال به تصویر بکشی. بیان تو نیز در این شعر، شکلی شاعرانه داشت و به جای این که به‌طور مستقیم بگویی «گفتند: نمی‌دانیم» نوشته‌ای: «فقط شافه‌های‌شان را تکان دادند». البته به نظر می‌رسد کلمه مورد نظر تو در این شعر «عشق» باشد نه «مصبت»؛ احتمالاً به همین دلیل است که درخت چوان در پایان شعر شکوفه می‌دهد و پر از میوه می‌شود. البته پایان شعرت به شاعرانگی بقیه شعر نیست و حتی می‌توان گفت که از تاثیرگذاری بالایی برخوردار نیست و فوآننده را غافلگیر نمی‌کند. شاید بتوانی این شعر را با پایانی مناسب‌تر دوباره برای‌مان بفرستی.

دوست خوبم، مبینا داوری دولت‌آبادی از شهریار

«اعتیاد پررم را برد» همان‌طور که خودت هم در نامه‌ات اشاره کرده‌ای، قصد دارد بر مخاطب اثر حسی و عاطفی بگذارد. این به خودی خود عیب محسوب نمی‌شود، اما شیوه‌ای که تو برای این تاثیرگذاری در پیش گرفته‌ای، بیشتر از هنس شعر است تا داستان. به همین خاطر بعضی از سطرهای داستانت از نظر زبان به شعر شبیه شده‌اند یا در تعبیرهایت ردپای بازی‌های زبانی خاص شعر دیده می‌شود. شاید بتوانی مطلبت را بار دیگر با استفاده از امکانات و عناصر داستانی بنویسی. فیلی خوب است که بگذاری شش‌صیت‌های داستانت خودشان حرف بزنند و به این ترتیب گفت‌وگوی زنده بین‌شان شکل بگیرد. اگر همه‌چیز را از زبان خودت برای مخاطب تعریف کنی و بعضی صحنه‌ها را به تصویر بکشی، احتمالاً داستان جذاب‌تر و کامل‌تری فواهی داشت.

زیر ذره بین

چراغ مطالعه

نمکدان

تویی، کسی که از او می‌خواهم

ساجده سادات روناسی

فرای فوجم!

از تو می‌خواهم به همهٔ کودکانی که سواد ندارند، سواد بیاموزی و شرایطی به‌ویژه
بیابوری که آن‌ها هم بتوانند مثل بچه‌های دیگر به مدرسه بروند و پیشرفت کنند.
از تو می‌خواهم سایه‌ات را بر سر بچه‌هایی که پدر یا مادرشان را از دست داده‌اند،
پهن کنی تا جای قالی پدر و مادرشان ازیت‌شان نکند.
از تو می‌خواهم همان‌طور که زیبایی‌ها را خلق کرده‌ای، زندگی بچه‌هایی را که جز زشتی
پیزی ندیده‌اند، زیبا کنی.
از تو می‌خواهم، تو که همهٔ بچه‌ها را به یک اندازه دوست داری! کم‌کم کن که من
هم بتوانم در انجام این کارها نقشی داشته باشم.

فرشته

مریم ابراهیمی

با صدای بلند انفجار از فوای پریدم. از پنجره‌ای که دیگر شیشه نداشت به حیاط فانه نگاه کردم.
پر از فردۀ شیشه بود. مادرم کنار دیوار ریختهٔ حیاط در حاله‌ای از دود سیاه تکان می‌خورد.
با عجله توی حیاط دویدم. گوشهٔ چادرش را گرفتم و پرسیدم: «مامان چه شده؟ این همه دود
چییه؟»
مادرم که صورتش گل انداخته بود تندتند تکرار می‌کرد: «یاسین! یا حسین!» ناگهان صدای
انفجار دیگری، گوشم را کزد. باران سنگ و آجر می‌بارید.
همان‌طور که از وحشت به چادر مادر پسییده بودم با هم، روی زمین افتادم و موج هوای گرم
از روی سرم گذشت. بعد از چند لحظه که فاک‌ها را تکاندم و بلند شدم، مادرم را صدا زدم. جواب
نداد. گریه‌ام گرفت. به فوادم گفتم: «چرا جواب نمی‌دهی؟ تکند مثل پدر او را هم بیرون بیمارستان و
دیگر به فانه برگرد! در همین موقع از آن سوی پردهٔ اشک‌هایم فرشته‌ای زیبا و نورانی نزدیک شد
و گفت: «زهرا، چرا گریه می‌کنی؟ پدر و مادرت را نگاه کن! دارند به تو دست تکان می‌دهند.»

انعکاس

شاهین مفهوم

توک قله را می‌خواهم
برای خرید زدن
چایی که انعکاس باشد
وقتی می‌گویم
دوستت دارم
دوستت دارم...

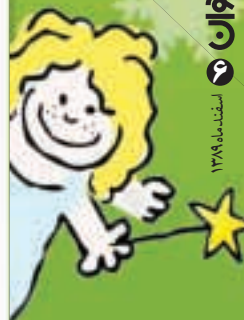
گلچین



۲۰

بخوان

اسفندماه ۱۳۸۹



جمله جمله زندگی

مولای متقیان علی (ع) / حسین ترکمان از تهران

بزرگ‌ترین تفریح، کار است.
به هنگام ششم، نه دستور، نه تنبیه و نه فرمانی ده.
دوست فوب به هنگام سفتی به درد می‌فورد، نه در موقع تفریح.

کوتاه و خواندنی

کلید دانش، نشر طلائی / نگار سیفی مقدم

● بازها هنگام فرود آمدن می‌توانند سرعت خود را تا ۲۵۰ کیلومتر بالا ببرند.

● «ریاچه» یا «بایکال» در سیبری عمیق‌ترین دریاچه جهان است و حدود ۱۷۳۱ متر عمق دارد.

● برفی از عطرها از قیر و زغال سنگ ساخته می‌شوند.

● ایرانی‌ها اولین کسانی بودند که از پرده‌های پرده‌دار استفاده کردند.

● زبان پینی الفبا

ندارد، اما پنجاه هزار نشانه دارد که هر یک از آن‌ها بر یک منظور یا فکر دلالت می‌کند.



تصویر بزرگ: سام سلماسی



خیزران، درخت یا علف

بانک اطلاعات علمی نوجوانان، ترجمه پریسا و پریچهر همایون روزا

نرگس شریفی از دامغان

خیزران یا نی، نوعی علف است. ارتفاع ساقه‌های این گیاه به ۳۵ متر و ضخامت آن به حدود سی سانتی‌متر می‌رسد. حدود ششصد نوع خیزران در دنیا وجود دارد و چالپ است بدانند که این گیاه می‌تواند روزی پهل سانی‌متر رشد کند. خیزران‌های چرید از دانه‌هایی که پس از گل‌دادن به وجود می‌آیند، می‌رویند.

از ساقه خیزران استفاده‌های زیادی می‌شود. از ساختن قایق، فانه، پل و لوله‌های آبیاری گرفته تا درست کردن انواع ظروف، چوب ماهی‌گیری و سازهای موسیقی. جوانه خیزران خوردنی است و می‌توان به عنوان سبزی آن‌را پخت و خورد.

خیزران در آسیای جنوب شرقی، هندوستان و جزایر اقیانوس آرام رشد می‌کند.





تصویرگر: سام سلماسی

ماهی برای چی؟

یک نفر از مغازه ماهی‌فروشی یک ماهی فریده بود و با خود به خانه می‌برد، دوستش او را دید و پرسید: «این ماهی رنگه چیه؟»
جواب داد: «هیچی، دارم برای شام می‌برمش فونه.»
ماهی سرش را از کیسه بیرون آورد و گفت: «ممنون، من شام فوردم. منو ببر سینما!»

پرتو ایروانی از اصفهان

اجازه با اگر!

از پدری پرسیدند: «اجازه می‌دهی دغزت برود دانشگاه؟»
جواب داد: «قب اگر به درسش لطمه نخورد، اشکالی ندارد!»
راحله امراللهی نیا از اصفهان

تقسیم وظایف

چند دوست می‌خواستند با هم به گردش بروند.
اولی: «من بساط صبحانه را می‌آورم.»
دومی: «تهیه نهار هم با من!»
سومی: «من هم آبیمل و میوه می‌آورم.»
چهارمی ساکت بود. از او پرسیدند: «تو چه می‌آوری؟»
جواب داد: «من هم برادرم را با خودم می‌آورم.»
شهاب‌الدین سامانی پور از تهران

خواب دیدی، خیر باشد!

معلم: «چرا تکلیفت را انجام ندادی؟»
دانش‌آموز: «شما این‌جا چه کار می‌کنید؟ خودم دیشب خواب دیدم رفته‌اید مسافرت!»

شیمای ابرج از اصفهان

جواب منطقی!

معلم: «بگو ببینم اگر بخواهیم جریان الکتریسیته را قطع کنیم، باید چه کار کنیم؟»
دانش‌آموز: «این که کاری ندارد، پول برق را نمی‌پردازیم، جریان الکتریسیته خودبه‌خود قطع می‌شود!»
فرشاد یوسفی از تهران

